



HomePage: https://jhstory.um.ac.ir	Vol. 53, No. 1: Issue 106 Spring & Summer 2021, p.55-86	
Online ISSN: 2538-4341	Print ISSN: 2028-706x	
Receive Date: 31-08-2021	Revise Date: 09-03-2022	Accept Date: 09-04-2022
DOI: https://doi.org/10.22067/JHISTORY.2022.72029.1070	Article type: Original Research	

The Spatial Structure of Courtyards and Prayer Halls in the Architecture of Caspian Shore Mosques During Şafavid and Qājār Periods

Seyyed Vahid Ebrahimzadeh, PhD Student of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Dr. Hosein Soltanzadeh, Full Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**)

Email: h72soltanzadeh@gmail.com

Dr. Jamaledin Soheili, Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Abstract

The historical architecture of Caspian sea's southern shores has not been studied extensively. The present study aims to identify the spatial structure of local mosques in the region and answer two questions: How similar or distinct are these mosques in their structure and function compared to the mosques in other parts of Iran, especially the central parts? And in which elements are these qualities reflected?

The conceptual foundations of the study are based on the assumption that region and culture affect the structural and functional characteristics of a mosque. A qualitative study is carried out through the descriptive-analytical method. Data has been collected using field observation and library research.

The study concludes that the regional roots of prayer halls and courtyard spaces are especially more apparent in small mosques. In addition, cultural influences are more apparent in Jāmi' (grand) mosques.

Keywords: Local Mosques, Caspian Shore Architecture, Prayer Hall, Mosque Courtyard



سال ۵۳ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۶ - بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۸۶ - ۵۵	HomePage: https://jhistory.um.ac.ir
شاپا چاپی ۲۲۲۸-۷۰۶ x	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱-۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: https://doi.org/10.22067/JHISTORY.2022.72029.1070

ساختار فضایی حیاط و شبستان در معماری مساجد ساحل دریای کاسپین در دوره صفویه و قاجار

سیدوحید ابراهیم‌زاده

دانشجوی دوره دکتری معماری، گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

دکتر حسین سلطان‌زاده (نویسنده مسئول)

استاد گروه معماری، عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: h72soltanzadeh@gmail.com

دکتر جمال‌الدین سهیلی

دانشیار و عضو هیات علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران

چکیده

درباره معماری تاریخی ساحل جنوبی دریای کاسپین، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. هدف این پژوهش شناسایی ساختار فضایی معماری مساجد بومی این مناطق و پاسخ به این پرسش است که میزان شباهت و تمایز کالبدی و کارکردی در مساجد بومی این نواحی نسبت به دیگر نواحی ایران، به‌ویژه بخش مرکزی چیست و در چه عناصری مشهود است؟

مبانی نظری تحقیق بر این فرض استوار است که اقلیم و فرهنگ بر ویژگی‌های کالبدی و کارکردی مساجد تأثیر می‌گذارند. نوع تحقیق، کیفی و از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و اطلاعات با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

این پژوهش نشان می‌دهد، منشأ اقلیمی فضاهای شبستان و حیاط، خصوصاً در مساجد با ابعاد کوچک‌تر بروز بیشتری دارد و نیز تأثیرات فرهنگ غالب، در اکثر مساجد جامع دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مساجد بومی، معماری ساحل دریای کاسپین، شبستان، حیاط مسجد.

مقدمه

در مجموعه مطالعاتی که تاکنون از بناهای مساجد بومی ایران صورت گرفته، به معماری مساجد بومی شمال کشور کمتر پرداخته شده است. با اندکی جستجو در کتب سبک‌شناسی و تاریخ معماری ایران، عدم تحقیق و تفسیر مبسوط معماری این نواحی قابل دریافت است.^۱ این پهنه دارای ویژگی‌هایی است که برای بازشناخت این ویژگی‌ها (تفاوت‌ها و یا تشابهات) و تحلیل آن‌ها در مقایسه با دیگر مساجد بومی فلات ایران باید نکاتی را در نظر داشت.

از خصوصیات تأثیرگذار در معماری این نواحی، اقلیم آن است که دارای آب و هوایی نسبتاً معتدل و مرطوب بوده و نسبت به سایر نقاط ایران متفاوت است. این خصایص اقلیمی که شامل باران زیاد و رطوبت سطح خاک است، باعث شده است که ساختمان‌های با قدمت زیاد و یا دارای حداقل آسیب طبیعی به ندرت دیده شود. معماران و استادکاران نیز در طی سالیان روش‌های مختلفی را در برخورد با این محدودیت‌ها به کار گرفته‌اند. اهمیت این نکته در ساخت بناهای مهمی چون مساجد به خوبی نمایان است. معماری آیینی دارای اهمیت زیادی در امور روزمره مردم این نواحی و تأثیرگذار در زندگی آنان بوده است. با نگاهی به تاریخ این سرزمین فراوانی بناهای مذهبی و یادمانی را می‌توان دریافت. به‌گونه‌ای که انواع مذهبی آن در پهنه این سرزمین، در کوهستان و دشت، با کارکردهای گوناگون مانند مقابر امام‌زادگان، تکایا، سقنفاها و بقاع متبرکه دیده می‌شود. حتی در برخی از این بناها انفعال فضایی و کالبدی با فعالیت‌های عمومی مجاور آن شکل نگرفته است. برای مثال حیاط نامحصور بسیاری از این بناها که با مراکز محلات به‌ویژه روستایی، مشترک هستند، به فراوانی دیده می‌شود.

لازم است به این نکته هم اشاره گردد که اندام‌های معماری در مساجد عموماً باید از یک الگو تبعیت کنند تا نام مسجد بر آن‌ها قرار گیرد؛ اما در نحوه به‌کار بردن آن‌ها، مصالح مصرفی، ریخت‌شناسی فضاها، مؤلفه‌های سرزمینی و یا حتی حذف برخی اندام‌ها که در ضرورت مسجد بودن خللی ایجاد نمی‌نماید، تفاوت‌هایی است که مجال بررسی و پژوهش موشکافانه‌تر دارد. از این منظر در این پژوهش سعی شده است تا دو اندام از ساختار اصلی شکل دهنده مساجد بومی ایران - حیاط و شبستان - در این پهنه مورد بررسی دقیق‌تر قرار داده شوند.

پرسش اصلی پژوهش این است که آیا بین مساجد بومی این ناحیه و نواحی مرکزی ایران به ویژه در

۱. برای مثال در منابع خارجی نک: پوپ، آرتور آبهام. معماری ایران. ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۵؛ هیلن برنر، روبرت. معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۹۳ و همچنین در منابع داخلی نک: پیرنیا، محمّدکریم. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معاریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۰؛ کیانی، محمّدیوسف. معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت، ۱۳۷۹.

اندام‌های شبستان و حیاط تفاوتی وجود دارد؟ تشابهات و تمایزات کالبدی و عملکردی شبستان و حیاط در مساجد این ناحیه نسبت به مساجد مناطق گرم و خشک فلات مرکزی ایران چگونه است؟ دلایل این شباهت‌ها و تفاوت‌ها در چیست؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که در اکثر مساجد بومی نواحی حاشیه جنوبی دریای کاسپین تمایزهایی نسبت به دیگر نواحی ایران به‌ویژه تأثیرات فرهنگی و اقلیمی دیده می‌شود. برای بررسی و پژوهش معماری بومی این ناحیه، چند نکته درباره چگونگی شکل‌گیری حکومت‌ها در دوره اسلامی مورد اشاره قرار می‌گیرد تا پیرو آن ساخت برخی از مساجد قدیمی در این ناحیه آشکار گردد. استان‌های شمالی ایران شامل استان‌های گیلان، مازندران و گلستان در سده‌های نخستین اسلامی به واسطه مشخصه‌های جغرافیایی و صعوبت لشکرکشی و داشتن نیروی جنگی کافی، توسط مهاجمان مسلمان تسخیر نشد بلکه به مرور و با روابط سیاسی با حکمرانان مسلمان از طریق مذاکرات، صلح، تردد سفیر بین آن‌ها و پناهنده شدن مسلمانان مخالف حکمرانان مرکزی آن زمان به آنجا، به نشر عقاید و تعالیم اسلامی در مناطق گیلان، دیلمان و طبرستان کمک کرد. حضور شیعیان، در رأس آن‌ها سادات علوی، که با حکومت مرکزی در تعارض بودند، از اواخر قرن اول هجری در این منطقه به مرور باعث رواج دین اسلام و پذیرش آن شد.^۱ در برخی فتوحات که اعراب در برخی شهرها داشتند، به ساخت مسجد نیز می‌پرداختند: «از اعراب اول ابوالخصیب فرزدق که در فتح ولایت سعی بلیغ نموده بود، در ساری ساکن گشته، مسجد جامع ساخت».^۲

در فرصت‌هایی که حکام اعراب برای دست‌یابی به برخی شهرها به دست می‌آوردند و یا در دوران بعدی که گرایش‌های مردمی به شیعه و بزرگان علوی باعث به حکومت رسیدن علویان شد، مساجدی در شهرهای مختلف کرانه‌های دریای کاسپین ساخته شد.^۳ برای مثال در شهرهایی مانند آمل، که از شهرهای بزرگ آن دوران و تخت‌گاه عمال خلیفه محسوب می‌شد، ساری، مامطیر،^۴ چالوس، گرگان و رویان مساجد جامع در کنار بازارها ساخته شد. در دوران علویان، ابومحمّد حسن بن علی اطروش پس از غلبه سامانیان بر ولایت طبرستان به ولایت دیلم رفت و در این نواحی مسجدها ساخت.^۵ محمدبن زید، داعی طبرستان سالیانه مبلغی ارزنده برای سادات و علویان عراق و حجاز می‌فرستاد. در تعمیر مشاهد ائمه هم که به وسیله متوکل خلیفه عباسی خراب شده بود با گشاده دستی مخارج بسیار کرد،^۶ که خود نشان از اهمیت ساخت

۱. یوسفی، «سیر تحول دین و مذهب در مازندران»، ۱۸۲.

۲. گیلانی، تاریخ مازندران، ۶۲.

۳. زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ۱۳۶/۲.

۴. نام قدیم شهر بابل.

۵. گیلانی، تاریخ مازندران، ۱۳۴-۱۳۶.

۶. زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ۱۳۴/۲.

این‌گونه بناها در آن زمان و در اندیشه علوی دارد.

در دوران قاجار و خصوصاً عصر ناصری، به واسطه مسافرت‌های پی‌درپی به مناطق شمالی کشور، در این مناطق امنیت و آرامش بیشتری حاکم شد. علاوه بر این، علایق زمین‌داری شاه و اعیان در توسعه نسبی این مناطق تأثیرگذار بوده و همین علل باعث گسترش راه‌سازی^۱ و ساختمان‌های حکومتی و تفریحی بیشتر شد. چنان‌که در ادامه خواهد آمد، بسیاری از مساجد بزرگ این نواحی در این دوره تاریخی، بازسازی و مرمت گسترده و الحاقاتی به آن‌ها افزوده شد.

۱. پیشینه پژوهش

در باره معماری مساجد پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. از کشف آثار توسط باستان‌شناسان که دست به تحلیل آن زده‌اند^۲ تا معمارانی که درباره آن به مطالعه و پژوهش پرداخته‌اند. ماکسیم سیرو در «رساله تطور مساجد روستایی اصفهان»، تقسیم‌بندی ساخت مساجد سنتی ایران را در مناطق مرکزی ایران در تکمیل تقسیم‌بندی آندره گدار به دو دسته مساجد ایرانی و عربی، آورده است و در ادامه انواع مساجد ایرانی را به سه دسته کلی: الف. چهارتاقی با گنبد روی آن، ب. تبدیل خانه‌های اعیانی دارای ایوان‌ها و تالارهای ستون‌دار به مسجد، ج. تبدیل خانه‌های دارای دو یا چهار ایوان به مسجد؛ تقسیم نموده و مساجد عربی را الهام گرفته از بناهای مهمی می‌داند که با مصالح محلی در ایران عهد خلفای عباسی و ملهم از شیوه معماری اسلامی در سرزمین‌های خارج از ایران ساخته شده‌اند که تا قبل از قرن پنجم و در قرون اولیه استفاده می‌شده است.^۳

هیلن براند رواج نقشه مسجد عربی و نفوذ آن در معماری مسجد سرزمین‌های غیرعرب مانند ایران و سپس الحاق دو عنصر گنبدخانه و ایوان از معماری ایرانی^۴ را از شاخصه‌های کلی و نیز الگوی شکلی آن‌ها را به گونه‌های شبستانی، تک ایوانی، دوايوانی، چهار ایوانی و گنبددار تقسیم می‌کند.

سلطان‌زاده با بیان اینکه به طور کل معماری و شهرسازی دوره اسلامی ایران تحت تأثیر معماری و شهرسازی دوره باستان در این سرزمین قرار داشت در کتاب معماری ایران در دوره اسلامی مساجد را از جنبه سلسله مراتب کارکردی، اجتماعی و شهری به سه گونه اصلی مساجد جامع، مساجد ناحیه‌ای و

۱. رستم نژاد نشلی و منتظرالقائم، فیاض انوش، «بررسی کارکرد تجاری راه‌سازی عصر ناصری در ایالت مازندران»، ۳۵.

۲. باستان‌شناسانی مانند آندره گدار، ماکسیم سیرو، آرتور آپهام پوپ و دونالد ویلر پژوهش‌هایی در این خصوص داشته‌اند.

۳. سیرو، «تطور مساجد روستایی در اصفهان»، ۵۲-۷۸؛ سیرو، «تطور مساجد روستایی در اصفهان»، ۱۴۰-۱۵۹.

۴. هیلن براند، معماری اسلامی، ۹۴.

مساجد محله‌ای تقسیم می‌کند و در قسمت دیگری از کتاب به بیان تحول شکلی مساجد جامع پرداخته که مبنای آن، شبستان، حیاط، محراب و ایوان بوده است.^۱

فلامکی انواع مسجد را به لحاظ تطور شکلی آن مورد بررسی قرار داده است و به پنج دسته اصلی تقسیم نموده است: ۱. گذر از فضای عمومی شهر به مسجد، به شکلی ساده و بدون فضای حائل، ورود ساده به حیاط؛ مانند مساجد دهه‌ها و قرون اولیه بعد از اسلام ۲. پیکره ساختمانی مسجد گردگرد حیاط با عمق بیشتر در بر رو به قبله که روی به درون دارد. ۳. صحن مسجد که با ایوان‌های متعدد، مناره و فضاهای مسقف دورتادور حیاط آراسته شده است؛ مانند مساجد چهارایوانی. ۴. فضای فردی و جمعی مسجد برای خلوص و عبادت مؤمنان زیر یک پوشش واحد که شکل گنبدی بسیار مرتفعی دارد و از ابداعات ترکان مسلمان آسیای صغیر است. ۵. مساجدی که در طول زمان و در ادوار مختلف دچار دگرگونی و تکامل شده‌اند مانند مسجد جامع اصفهان، بخارا و مجموعه مساجد ریگستان سمرقند.^۲

در بسیاری مطالعات، گونه‌شناسی مساجد مورد بررسی و تحلیل بوده است. مثلاً در پژوهش «مطالعه‌ای در معماری مساجد ایران برای الگویابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار» نویسندگان به دو عامل اصلی در شکل بنای مساجد شامل اقلیم و ویژگی‌های بومی در این نواحی دست یافته‌اند. ۳ حجت و ملکی در پژوهشی به گونه‌های بنیادین در هندسه مساجد ایرانی، پرداخته و به سه گونه اصلی شامل مساجد شبستانی، گنبدخانه‌ای و ایوانی با ذکر نمونه‌هایی دست یافته‌اند.^۴ شیخ‌نصیری و رحمتی‌زاده در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی مساجد مازندران»، دو گونه مساجد روستایی که تحت تأثیر مستقیم اقلیم بوده‌اند و مساجد شهری که متأثر از جنبه‌های تبلیغی، اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند را بررسی کرده‌اند.^۵ مقاله «گونه‌شناسی تحلیلی مساجد بومی حوزه فرهنگی کردستان ایران» به مطالعه مساجد این بخش از کشور پرداخته و آن را به دو الگوی کلی شبستانی و حیاط مرکزی شبستانی شامل گونه اول گونه‌هایی با راهروهای جانبی و ایوان ستوندار، و گونه دوم، شامل مساجدی که در آن‌ها بدون استنسا سه ضلع دارای حجره و یک ضلع شامل شبستان ستون‌دار تقسیم نموده است.^۶ پاسیان‌خمیری و دیگران در بررسی گونه‌شناسانه مساجد

۱. سلطان‌زاده، معماری ایران در دوره اسلامی: مفاهیم، الگوها و آثار، ۲۰-۴۳.

۲. فلامکی، شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، ۶۱-۷۱.

۳. نژاد ابراهیمی و مرادزاده، «مطالعه‌ای در معماری مساجد ایران برای الگویابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار»، ۹۶.

۴. حجت و ملکی، «هم‌گرایی سه گونه بنیادین هندسی و پیدایش هندسه مسجد ایرانی»، ۱۴.

۵. شیخ‌نصیری و رحمتی‌زاده، «گونه‌شناسی مساجد مازندران»، ششمین کنفرانس ملی معماری و مهندسی عمران، تهران: ۱۳۹۷.

۶. خادم‌زاده و معاریان، صلواتی، «گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران»، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱ (کاشان: بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۱۰۳-۱۲۴.

تاریخی بلوچستان، به سه گونه صحن-شبستان، صحن-رواق-شبستان و دوشیستانه اشاره داشته‌اند.^۱ معماریان و دیگران در پژوهش «تحلیلی بر پارامترهای گونه‌بندی مساجد تاریخی شهر تبریز» به اصولی برای تحلیل مساجد تاریخی تبریز دست یافته‌اند: رعایت مدول مربع مستطیل در راستای قبله، نورگیری سقفی، ساختار شبستانی، بهره از مصالح سنتی، داشتن حیاط به منظور درگیری با طبیعت، ورود به عرصه داخلی از جبهه شمالی و پشت به جهت قبله و بهره از عرصه‌های خصوصی و عمومی به طور هم‌زمان از راهکارهای آن است.^۲ در برخی از پژوهش‌های مورد تحلیل مساجد مبنای اقلیمی مدنظر بوده است. مانند کتاب اصول طراحی معماری همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد که نگارندگان در اقلیم‌های مختلف ایران به بررسی مساجد پرداخته و در نهایت دستورالعمل‌هایی برای ساخت بناها در آن اقلیم ارائه داده‌اند.^۳ در این اثر تنها به مساجد بزرگ شهری یا مساجد جامع بسنده شده است.

همان‌گونه که در پیشینه آمده است، به طور کلی پژوهش درباره معماری مساجد بومی ایران غالباً معماری مساجد در نواحی مرکزی و مساجد شناخته شده بوده^۴ و تحقیقات بسیار اندکی درباره مساجد بومی حاشیه جنوبی دریای کاسپین شده است و اثرات عینی و محتوایی مساجد شمال کشور که در بردارنده همه انواع مساجد این مناطق باشد، در هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیش‌گفته نیامده است و جای خالی تحقیق گسترده در این زمینه را آشکار می‌سازد. در این مجال به بررسی دو اندام شبستان و حیاط در مساجد این نواحی پرداخته خواهد شد.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به‌وسیله مطالعات میدانی، مشاهده مستقیم و حضور در برخی از مساجد و مطالعات کتابخانه‌ای در عرصه معماری مساجد بومی در ایران انجام شده است. در بخش کتابخانه‌ای، از منابع مختلفی از جمله کتب مستندنگاری آثار معماری مانند کتب معماری مساجد و کتاب‌های تاریخ معماری ایران و نواحی شمال ایران شامل سه

۱. پاسبان‌خمیری و رجبعلی، رونده. «گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجاریه تا معاصر»، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱ (کاشان: بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۱۸۹-۲۰۵.

۲. معماریان و غفاری، قلی‌زاده، «تحلیلی بر پارامترهای گونه‌بندی مساجد تاریخی شهر تبریز»، فیروزه اسلام، سال ۳، شماره ۴ (تبریز: بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۴۳-۶۴.

۳. طاهباز و جلیلیان، اصول طراحی همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران: ۱۳۹۰.

۴. پیرنیا مساجد را به گونه‌های شبستانی، تک ایوانی، دو ایوانی، چهار ایوانی و چهارطاقی و طنبی و تیرپوش تخت تقسیم می‌کند و در کتاب آشنایی با معماری اسلامی ایران بیشتر به مساجد تاریخی مناطق مرکزی پرداخته و درباره مساجد تاریخی مناطق شمال کشور سخنی به‌میان نمی‌آورد. نک: پیرنیا، محمدکریم. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معماریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۰.

استان گیلان، مازندران و گلستان و همچنین پژوهش‌های پیشین برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. بر این اساس در این پژوهش ابتدا اندام‌های شبستان و حیاط، مطالعه و سپس نقش و تأثیر اقلیم و فرهنگ مناطق یادشده در معماری آن‌ها بررسی می‌شود. برای حصول به پاسخ پرسش‌های پژوهش ابتدا به بررسی ساختار فضایی این مساجد پرداخته و تفاوت‌ها و تشابهات آن را به کنکاش می‌گذاریم. برای یافتن نمونه‌های مورد تحقیق، ابتدا فهرستی از مساجد بومی شهرها و روستاهای مختلف استان‌های یاد شده تهیه و سپس با بررسی اسناد و یا بازدید دقیق از بناها نسبت به تکمیل اسناد و نقشه‌ها اقدام شد و در نهایت با مقایسه و تطبیق اسناد به دست آمده، نمونه‌های نهایی گزینش شدند.

۳. مبانی نظری

۳-۱- تأثیر فرهنگی بر فضاهاى آیینی

در سرزمین‌های حاشیه جنوبی دریای کاسپین بناهای آیینی و مذهبی از روزگاران گذشته مورد اعتقاد و اهمیت برای مردمان بومی بوده است. به دلایلی که در مقدمه این پژوهش آمد وجود مساجد، مقابر امام‌زادگان، عرفا و بزرگان در همه نقاط این سرزمین، به فراوانی یافت می‌شود؛ با توجه به اینکه تشکیل دولت اسلامی برای اولین بار در مسجد صورت می‌گیرد، بنابراین وجود مسجد جامع، به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می‌گردد.^۱ اهمیت آن در این دوران فقط به امور عبادی و حکومتی بسنده نمی‌گردد و در شهرهای ایرانی دوره اسلامی، نه تنها کانون عبادی، بلکه فضایی برای ایجاد حلقه‌های درس و سنگر مبارزات اجتماعی مردم علیه حکام جبار و کانون تجمع آنان هنگام خوف و اضطراب بوده است.^۲ هر چند ساخت مقابر چندان مورد استقبال مسلمانان سده‌های اولیه اسلام نبوده است؛ اما نمونه‌های فراوانی از قرون بعدی در این بستر جغرافیایی قرار دارند که دارای وجوه آیینی و مذهبی برای مردم منطقه هستند. وجود این بناها به حفظ و احیای سنت‌های اسلامی و دینی و همچنین فرهنگی و اجتماعی جوامع به بقای آن سنت‌ها کمک زیادی نموده است. کریستوفر الکساندر اماکن مقدس مانند کلیسا یا معبد را مکانی برای پرستش، روحانیت و البته تفکر می‌داند و نقش آن را در آستانه‌های مختلف مراحل زندگی انسان و حضور او در تولد و مرگ در این مکان‌ها پررنگ می‌بیند.^۳ بناهای آیینی و مقدس به همراه مسجد به عنوان خانه خدا اهمیت والایی در شهرها و جغرافیای دنیای اسلام دارد. از این رو در بلاد اسلامی مساجد دارای ارزشمندترین معماری در زمان خود بوده‌اند. برای ظهور شهر اسلامی، همانند

۱. حبیبی، از شار تا شهر، ۴۲.

۲. سلطان‌زاده، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران - از دوران باستان تا ۱۳۵۵، ۲۱۹.

3. Alexander, Ishikawa, Silverstein, *A pattern language*, 332.

ظهور هر شهری، انطباق و هم‌پوشانی سه فضا یا سه عنصر، به‌عنوان ارکان آن ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از: فضای فکری (وجه ایمانی انسان مؤمن)، فضای عملی (قوانین حاکم بر شهر) و فضای کالبدی. که عنصر سوم، متأثر از دو عامل دیگر به اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی، علمی و هنری است.^۱ منوچهر ستوده از اساتیدی که به ثبت آثار تاریخی این مناطق همت گمارد، در مقدمه جلد نخست کتاب ارزشمند از آستارا تا استارآباد می‌نویسد: «در بعضی از این بقاع هنوز سنن و رسوم هزاران سال پیش گیلان بدون تغییر و تبدیل دیده می‌شود. معمولاً روز زوارکشی،^۲ بازاری محلی در این بقاع برپا می‌شود. فروشندگان متاع خود را از دورترین نقطه بدینجا می‌آورند و خریداران نوترین و بهترین لباس‌ها را می‌پوشند و روی به این نقاط یا قله‌های دورافتاده می‌کنند».^۳ مراسم مختلفی از جمله در اعیاد، سوگواری‌ها و به‌ویژه ایام محرم در مساجد، تکایا، سقافارها و بقاع متبرکه و امام‌زادگان این نواحی انجام می‌شود. شروع و خاتمه راهپیمایی دسته‌های عزادار در ماه محرم، اغلب از همین اماکن است.^۴

برای تحلیل مساجد بومی، خصوصاً در شمال کشور باید دو مسئله اساسی را در نظر داشت. یکی تأثیرات اقلیمی که بافت و ساختمایه معماری و شهری آن مناطق را تحت تأثیر قرار داده است و دیگر، تأثیرات فرهنگی حاکم بر زمان مورد پژوهش. از سویی این اندام‌ها که هر یک در سرزمین‌های مختلف، بروز و ظهور متفاوتی داشته‌اند، نشان دهنده تأثیرات بومی مناطق جغرافیای اسلامی بر مساجد بوده‌اند. به‌گونه‌ای که در سرزمین‌های گوناگون از لحاظ شرایط محیطی و اقلیمی و ویژگی‌های فرهنگی، تا جایی که با احکام و اعتقادات اسلامی مغایرتی وجود نداشته، تأثیر زیادی پذیرفته است. از سوی دیگر تأثیر ابعاد فرهنگی حاکم در معماری و شهرسازی است. راپاپورت با طرح پرسش اساسی در خصوص تأثیرات فرهنگی که شکل غالب معماری را در یک اقلیم دچار تغییر می‌کند توجه می‌کند. وی اثرات فرهنگ و جهان‌بینی بر شکل‌گیری ارزش‌ها را مقدم بر سایر مراحل مؤثر بر محیط ساخته شده و سازمان‌دهی فضا می‌داند. راپاپورت با قائل بودن به نقش بسزای تمایزات فرهنگی در ظهور محیط ساخته شده، زمینه تعامل میان دستگاه‌های فکری مختلف را با ایجاد امکان قرائت‌های مختلف از یک مدل مشترک فراهم می‌آورد.^۵ همچنین مامفورد^۶ نظر به تقدم فرم‌های سمبلیک و آیینی فرهنگ نسبت به جنبه‌های مادی همان فرهنگ

۱. نقی‌زاده، «تاملی در چیستی شهر اسلامی»، ۶.

۲. روز معینی از سال که مردم به زیارت امام‌زاده‌ها می‌روند.

۳. ستوده، از آستارا تا استارآباد، جلد اول، هفت.

۴. خلعتیری‌لیماکی، «بقاع متبرکه و امام‌زاده‌های غرب مازندران»، ۱۵۶.

5. Rapoport, *House form and culture*, 19.

6. Louis Mumford.

دارد.^۱ بدین گونه اندام‌های معماری با عملکرد یکسان در یک فرهنگ، متفاوت از فرهنگ دیگر بروز می‌کنند.

حاکمان اسلامی و پس از آن شاهان ایران در دوران اسلامی، همواره سعی در ایجاد و گسترش بناهای مذهبی در دوران خود داشته‌اند. این گسترش ساخت و ساز، گاهی مفاهیم و اصول معماری را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کرد. اندیشه فرهنگ توسعه طلبانه باعث ایجاد بناهایی به شیوه معماری حکومتی در شهرهایی با معماری بومی متفاوت شد.

صفویه به‌عنوان نخستین حکومت مرکزی که به گسترش مذهب شیعه پرداخت، بیشترین فعالیت عمرانی خود را در ابتدای حکومتش به نوسازی مقبره‌های شیعی در شهرهای گوناگون، در جهت تبلیغ و تثبیت تشیع متمرکز کرد و در دوره‌های بعد به مرمت مساجد دوره‌های پیشین توجه داشت. چنان‌که هیلن‌برند مهم‌ترین مصادیق و مظاهر معماری دینی صفویان را در تعمیر و توسعه مساجد پیشین دانسته است.^۲ ولی بیشترین ساخت مسجد در دوره زمامداری شاه عباس اول در شهر اصفهان صورت گرفت که به لحاظ ساختار فضایی از مهم‌ترین مساجد تاریخ معماری ایران نیز به‌شمار می‌آیند. در مجموع، می‌توان گفت میزان ساختن مسجد در دوره صفویان کم بود و آن تعداد کم هم در اصفهان متمرکز بود.^۳

معماری در دوره قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ هجری شمسی) دچار تحولات شگرفی نسبت به سنت معماری پیشین شده است اما در این میان معماری مساجد در ادامه معماری زندیه و صفویه دارای تغییرات کالبدی اساسی نمی‌شود و در نحوه پوشش و تزیینات شیوه‌های فرهنگی جلوه بیشتری می‌یابد و تا اواسط دوران قاجار معماری در ایران ریشه‌های سنتی و بومی خود را داشته و در ارتباط با اصول معماری سنتی، ویژگی‌های اقلیمی و شرایط جغرافیایی شکل گرفته است.^۴ مساجد دوره قاجار از لحاظ طرح کلی، یعنی داشتن چهار ایوان، شبستان، گنبد، مناره، محراب، منبر و غیره برگرفته از معماری دوره‌های قبل و اصیل ایران است. در عهد فتحعلی شاه، مسجد و مدارس به نام سلطانی در شهرهای بزرگ بنا شد که برخی از آن‌ها اعتبارشان از مساجد جامع فزونی یافت. به لحاظ کالبدی مساجد قاجار چهار ایوانی و صحنی گشاده دارد و عموماً در دل بازار ساخته شده است.^۵

۱. راپاپورت، انسان‌شناسی مسکن، ۶۷.

۲. هیلن‌برند، معماری اسلامی، ۱۰۵.

۳. قیومی‌بیدهندی، مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۲، ۲۶۰.

۴. پاکدامن، نگاهی کوتاه بر شیوه‌ها و گرایش‌های معماری در تهران، ۵۴.

۵. قیومی‌بیدهندی، مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۲، ۳۵۸.

۳-۲- اثرات اقلیمی

در تنوع زیستی جغرافیای ایران، سرزمین‌های حاشیه جنوبی دریای کاسپین تا دامنه‌های شمالی رشته کوه البرز دارای ویژگی‌های خاص در اقلیم و تاریخ خود است. این جلگه باریک در برخی از نقاط به حد اقل و در جاهایی فاصله وسیع‌تری بین ساحل دریا و دامنه کوه‌هاست. با توجه به تنوع توپوگرافی این مناطق و وجود نواحی کوهستانی، کوهپایه‌ای، دشتی و ساحلی، چهار لایه اقلیم میانه در این مناطق مشاهده می‌شود؛ ولی در مجموع از نظر معماری همساز با اقلیم اصول مشترکی در این مناطق رعایت شده است.^۱ از آنجا که چهار عامل مهم تابش خورشید، دمای هوا، رطوبت، جریان هوا و در کنار آن‌ها باران‌های جوی تعیین کننده تقسیمات اقلیمی هستند،^۲ لیکن طبقه‌بندی مقیاس‌های اقلیمی در سه دسته بندی مقیاس کلان، میانه و خرد قابل ارائه است که زیر مجموعه آن به دسته‌های گسترده‌تری قابل تعمیم است.^۳ از رایج‌ترین تقسیم‌بندی‌های آب و هوایی، تقسیم‌بندی متعلق به کوپن است که جهان را به چهار دسته آب و هوایی تقسیم می‌نماید. بر این اساس ایران به چهار اقلیم معتدل و مرطوب، سرد، گرم و خشک و گرم و مرطوب تقسیم شده است.^۴

میانگین دمای سالیانه در این مناطق ۱۴/۵ تا ۱۸ و نوسان دمای سالیانه آن ۲۵ تا ۳۵ درجه سانتیگراد است. بارندگی سالیانه در اکثر مناطق این اقلیم حدود ۶۰۰ تا ۲۲۰۰ میلی‌متر است. رطوبت نسبی هوا در تابستان حداقل ۵۰ تا ۸۵ درصد و در زمستان حداکثر ۷۵ تا ۹۵ درصد است.^۵ این مشخصات اقلیمی معماری و بافت شهری متناظر با خود را در طول زمان به وجود آورده است. به گونه‌ای که از مهم‌ترین تجربیات معماران، حل مسئله رطوبت و دفع آب از بنا بوده است. با همین نگرش می‌توان در نظر داشت که بناهای ساخته شده در صورت مقهور شدن در برابر طبیعت رو به اضمحلال رفته‌اند.

تفاوت‌های آب و هوایی این مناطق با دیگر مناطق ایران، معماری منحصر به فردی را به وجود آورده است. بسیاری معماری مناطق شمالی کشور ایران را به طور مستقیم تحت تأثیر اقلیم این منطقه می‌دانند. در کتاب بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، برای بررسی بناهای سنتی در نقاط مختلف ایران، چهار گونه اصلی در نظر گرفته شده است و بر مبنای آن، کرانه جنوبی دریای کاسپین به عنوان یک دسته مستقل

۱. طاهیان، دانش اقلیمی، طراحی معماری، ۱۲۱.

۲. حیدری، برنامه‌ریزی انرژی در ایران با تکیه بر بخش ساختمان، ۱۴۰.

۳. پوردیبهیمی، زبان اقلیمی در طراحی محیطی پایدار: کاربرد اقلیم شناسی در برنامه‌ریزی و طراحی محیط، جداول: مقیاس کلان و میانه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

۴. کسمایی، اقلیم و معماری، ۱۵۶-۱۶۰.

۵. طاهیان و جلیلیان، اصول طراحی همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد، ۳۱.

بررسی شده است. از خصوصیات آب و هوایی این کناره موارد زیر آمده است: الف. بارندگی زیاد در تمام فصول سال، خصوصاً در فصول پاییز و زمستان ب. رطوبت نسبتاً زیاد در تمام فصول سال ج. اختلاف کم درجه حرارت بین شب و روز د. پوشش وسیع نباتی^۱. با وجود این تقسیم بندی ها، باید اشکال دقیق تر آن را در خرده اقلیم های هر گونه اقلیمی جستجو کرد. این جنبه های کلی اقلیم منطقه همه نوع معماری را متأثر از خود ساخته است ولی در ادامه دیده می شود که شکل اندام های مورد بحث، در مساجد بومی زیادی به طور کامل تنها تحت تأثیر جنبه های اقلیمی نبوده است.

متناسب با وضعیت اقلیمی، مصالح کاربردی در این مناطق اغلب مصالح بومی مانند چوب، کاهگل، آجر، سنگ، ساقه های برنج و کاه، با در نظر گرفتن موقعیت جلگه ای یا کوهستانی بنا بوده است.

۴. یافته ها

از تعدادی از مساجد بومی که مشمول ثبت میراث فرهنگی کشور بوده اند، ۲۴ نمونه برای پژوهش انتخاب شده اند که دارای مدارک و مستندات و نقشه های کامل تری بود و شامل همه انواع مساجد و در نقاط جلگه ای و کوهپایه ای و کوهستانی هستند. این مساجد عبارتند از: مسجد بدیع الله رشت، مسجد جامع جورشر لشت نشا، مسجد حاج صمدخان رشت، مسجد مستوفی رشت، مسجد حاج سمیع رشت، مسجد اکبریه لاهیجان، مسجد گیل محله تنکابن، مسجد جامع بلده نور، مسجد جامع نج نور، مسجد جامع یالرود نور، مسجد آقاعباس آمل، مسجد امام حسن عسکری آمل، مسجد جامع آمل، مسجد ابوفاضلی بابل، مسجد جامع بابل، مسجد چهارسوق بابل، مسجد رودگر محله بابل، مسجد طبرستانی و استادی بابل، مسجد آیت الله عدنانی بابل، مسجد کاظم بیگ بابل، مسجد تیلک ساری، مسجد جامع ساری، مسجد فرح آباد ساری، مسجد جامع گرگان.

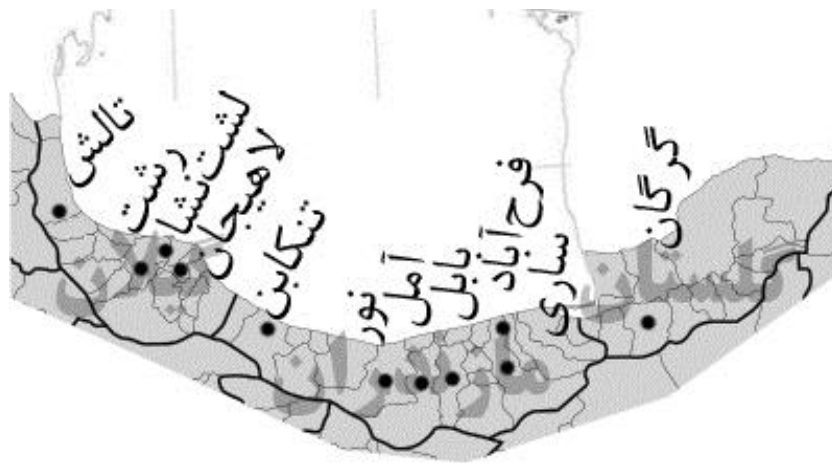
در تعیین مصداق ها و انتخاب نمونه های مورد نظر، معیارهای زیر مطرح بوده است: ۱. وجود آثار شکلی - ساختاری از معماری دوران گذشته تا دوره قاجار ۲. سال ساخت و سال مرمت یا تجدید بنا ۳. وجود عناصر کالبدی مورد پژوهش (حیاط و شبستان) در بناها ۴. فراوانی نمونه ها به لحاظ ساختار در یکی از مناطق جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی.

این مساجد در ادوار مختلف به وجود آمده اند و یا سنگ بنای اولیه برخی مساجد مرکزی و مساجد جامع به سده های اولیه قبل از صفویه می رسد ولی غالباً یادگارهایی از دوران صفویه یا قاجار بوده و یا بنا به مفروضات اقلیمی گفته شده در این دوره ها مرمت اساسی شده و یا تغییر در ساختار فضایی یافته اند و

۱. قبادیان، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، ۳۷.

بناهایی به آن‌ها اضافه و الحاق شده است. شکل ۱ پراکندگی جغرافیایی نمونه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. در ادامه ضمن بررسی ساختاری حیاط و شبستان در نمونه مساجد به دست آمده، به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

شکل ۱: پراکندگی جغرافیایی نمونه‌های پژوهش (نگارندگان)



۴-۱- حیاط (صحن)

واژه حیاط کلمه‌ای عربی است که به یک فضای باز محصور یا نیمه محصور گفته می‌شود اما معانی حیاط در این نواحی با آنچه در نواحی مرکزی ایران تداعی می‌گردد، متفاوت است که البته برخلاف نواحی مرکزی که همه حیاط‌ها محصور هستند، در نواحی شمال ایران نمونه‌هایی از مساجد وجود دارند که یک فضای باز یا حیاط غیرمحصور دارند مانند مساجد درون گورستانی. در ادامه به دسته‌بندی کلی حیاط در مساجد این نواحی پرداخته می‌شود. در بررسی مساجد این ناحیه سه دسته اصلی از حیاط دیده می‌شود که هرکدام دارای ویژگی‌هایی است.

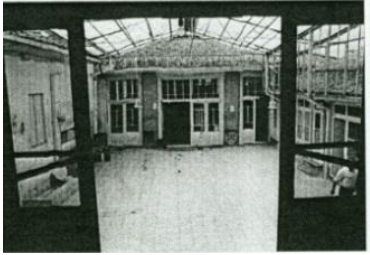


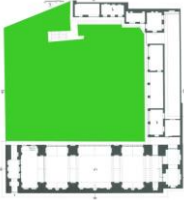


دسته اول، مساجدی هستند که در آن‌ها حیاط‌های محصور در یک سوی شبستان قرار دارد و در اضلاع دیگر این حیاط‌ها معمولاً فضاهای خدماتی وجود دارد. گاهی در طی گذشت زمان عناصر و فضاهای دیگری مانند شبستان و مدرسه نیز به آن اضافه شده است. مانند مسجد مستوفی رشت که دارای مدرسه‌ای مشترک در صحن است و یا مسجد چهارسوق، مسجد طبرستانی و استادی بابل که شبستان دیگری در سوی دیگر حیاط ساخته شده است. ولی همچنان با تعریف حیاط مرکزی مساجد نواحی مرکزی ایران متفاوت هستند. غالب این مساجد در بافت قدیمی و فشرده شهرها و روستاها قرار داشته و کارکرد محله‌ای

یا منطقه‌ای دارند. مساجد رودگر محله، آیت‌الله عدنانی و ابوفاضلی بابل، مسجد حاج صمدخان رشت، مسجد جامع یالرود نور، کاظم بیگ بابل و اکبریه لاهیجان از این دسته هستند.


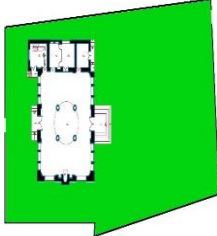
جدول ۱: مساجد بومی دارای حیاط محصور^۱

ردیف	نام مسجد	توضیحات	پلان	تصویر
۱	آیت‌الله عدنانی بابل	سال ساخت: قاجاریه جهت: شبستان شرقی-غربی حیاط: بیرونی ساختمایه: آجر مناره: یک مناره آجری چوبی		
۲	طبرستانی و استادی بابل	سال ساخت: قاجاریه حیاط: درونی ساختمایه: آجر، چوب مناره: ۲ مناره آجری چوبی		
۳	ابوفاضلی بابل	سال ساخت: ۱۲۸۰ قمری جهت: شرقی-غربی حیاط: بیرونی محصور ساختمایه: آجر، چوب		

۱. همه تصاویر و پلان‌ها از اداره‌های کل میراث فرهنگی گیلان و مازندران تهیه شده است.

		<p>سال ساخت: ۱۳۱۵ ق جهت: شبستان شمالی-جنوبی حیاط: بیرونی ورودی: تاقدما ساختمایه: آجر، چوب مناره: یک مناره آجری چوبی</p>	<p>رودگر محله بابل</p>	<p>۴</p>
		<p>سال ساخت: ۱۰۹۲ قمری جهت: شبستان شرقی-غربی حیاط: درونی ساختمایه: آجر، چوب</p>	<p>کاظم بیگ بابل^۱</p>	<p>۵</p>
		<p>سال ساخت: شبستان جنوبی سال ۱۲۱۱ ق- شبستان شمالی سال ۱۳۴۳ ق جهت: شبستان شرقی-غربی حیاط: درونی ساختمایه: آجر، چوب</p>	<p>چهارسوق بابل</p>	<p>۶</p>

		<p>سال ساخت: ۱۲۳۰ جهت: شمالی - جنوبی حیاط: بیرونی ساختمایه: سنگ، آجر، چوب</p>	<p>۷ یالرود نور</p>
		<p>سال ساخت: ۱۲۴۳ ق جهت: شرقی - غربی حیاط: مشترک با مدرسه ساختمایه: آجر، چوب</p>	<p>۸ مستوفی رشت</p>
		<p>سال ساخت: بنای فعلی قاجاریه حیاط: درونی ساختمایه: خشت و چوب</p>	<p>۹ تیلک ساری</p>
		<p>سال ساخت: ۱۲۳۹ ق جهت: شمالی - جنوبی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر مناره: یک مناره در گوشه بنا</p>	<p>۱۰ اکبریه لاهیجان</p>

		<p>سال ساخت: ۱۳۳۴ ق جهت: شمالی - جنوبی حیاط: محوطه بیرونی ساختمایه: آجر و سیمان گنبدخانه: گنبد در مرکز بنا</p>	<p>حاج صمدخان رشت</p>	<p>۱۱</p>
---	---	--	---------------------------	-----------

دسته دیگری که در مساجد این مناطق وجود دارند، مساجدی هستند با شکل حیاط مرکزی مرسوم در فلات مرکزی ایران، که غالباً در مساجد مناطق گرم و خشک دیده می‌شود. به‌عنوان مثال اندام‌هایی چون رواق و ایوان، علاوه بر جدار مشرف بر قبله، در دیگر اضلاع حیاط دیده می‌شود. غالب این حیاط‌ها دارای هندسه منظمی هستند. این هندسه منظم در زمینی که عموماً شکل منظمی ندارد به‌عنوان چارچوب اصلی، مابقی فضاهای متصل را شکل می‌دهد. اجزا کالبدی این مساجد مفصل‌تر و جامع‌تر از دسته‌های دیگر است و غالباً در مناطق شهری و مساجد جامع هستند. از این رو با در نظر داشتن بانیان این مساجد این‌گونه دریافت می‌گردد که این دسته از مساجد با دستور پادشاهان، حاکمان و وزیران ساخته شده و یا تجدید بنا شده‌اند و بر این اساس عموماً از بهترین وضعیت برخوردار بوده و کمتر از سایر انواع مساجد از خصوصیات اقلیمی و بومی تأثیر پذیرفته‌اند^۱ تا جایی که برخی از معماران و استادکاران مناطق مرکزی مانند استاد عبدل اصفهانی، معمار تعمیرات مسجد جامع بابل در سال ۱۲۲۰ یا ۱۲۲۵ و استاد ابراهیم اصفهانی معمار تعمیرات بعدی آن در دوران میرزا محمد شفیع صدر اعظم فتحعلی‌شاه قاجار معرفی شده‌اند. در کتیبه‌های این مسجد نام خطاطان، محمد ابراهیم همدانی^۲ و محمد مهدی طهرانی و محمد تقی، دیده می‌شود.^۳

اما راه‌کارهایی را معماران برای مطابقت این طرح‌ها با خواص اقلیمی منطقه داشته‌اند. هرچند شکل ظاهری مساجد به صورت حیاط مرکزی با بناهایی در پیرامون آن است، ولی غالب بناها علاوه بر جبهه

۱. سلطان‌زاده، معماری ایران در دوره اسلامی: مفاهیم، الگوها و آثار، ۴۲.

۲. سنگ‌نیشته مسجد جامع آمل نیز اثر اوست.

۳. حاجی‌قاسمی، گنج‌نامه، دفتر هشتم: مساجد جامع (بخش دوم)، ۶۳.

حیاط از جبهه پشت نیز با فضای باز در ارتباط هستند و امکان استفاده از کوران هوا را دارند.^۱ شبستان اصلی نیز معمولاً دارای عرض کمتری برای جریان هواست. مساجد جامع فرح آباد، ساری، بابل، گرگان، آمل و مساجد آقا عباس و امام حسن عسکری آمل در این دسته هستند.

جدول ۲: مساجد بومی دارای حیاط مرکزی^۲

ردیف	نام مسجد	توضیحات	پلان	تصویر
۱	مسجد جامع فرح آباد	سال ساخت: ۱۰۲۵ ق جهت: شبستان شرقی - غربی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر، ساروج مناره: ۲ مناره آجری		
۲	مسجد جامع گرگان	سال ساخت: بازسازی در دوره صفویه (۱۰۵۵ ق) جهت: شبستان شرقی - غربی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر، چوب مناره: یک مناره آجری چوبی		
۳	مسجد جامع ساری	سال ساخت: بازسازی مکرر در دوران قاجار جهت: شبستان شرقی - غربی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر، چوب مناره: دو مناره آجری		

۱. طاهباز و جلیلیان، اصول طراحی همساز با اقلیم در ایران بارویکرد به معماری مسجد، ۳۴.

۲. تصاویر پلان‌ها از منابع زیر به دست آمده است:

حاجی قاسمی، کامبیز، گنج‌نامه، دفتر هشتم: مساجد جامع (بخش دوم)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و روزنه، ۱۳۸۳؛ حاجی قاسمی، کامبیز، گنج‌نامه، دفتر ششم: مساجد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و روزنه، ۱۳۸۳.

		<p>سال ساخت: ۱۱۴۴ قمری جهت: شبستان شرقی - غربی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر، چوب مناره: یک مناره آجری چوبی</p>	<p>مسجد آقاعباس آمل</p>	<p>۴</p>
		<p>سال ساخت: ۱۱۰۶ قمری جهت: شبستان شرقی - غربی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر، چوب مناره: یک مناره آجری چوبی</p>	<p>مسجد جامع آمل</p>	<p>۵</p>
		<p>سال ساخت: بازسازی ۱۳۹۳ ق جهت: شبستان شرقی - غربی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر، چوب مناره: یک مناره آجری چوبی</p>	<p>مسجد امام حسن عسکری آمل</p>	<p>۶</p>
		<p>سال ساخت: ۱۱۰۶ قمری جهت: شبستان شرقی - غربی حیاط: مرکزی ساختمایه: آجر، چوب مناره: یک مناره آجری چوبی</p>	<p>مسجد جامع بابل</p>	<p>۷</p>



دسته سوم، مساجد فاقد صحن و حیاط به معنای محصور شده و ابعاد مشخص هستند. این مساجد غالباً در نواحی روستایی یافت می‌شوند که مشرف به فضای اصلی و مرکز محله و یا در

کنار آرامگاه‌ها و یا بازارها احداث شده‌اند. این فضاهای باز، در مواقع خاص برای اجتماعات مذهبی نیز استفاده می‌شود و به‌گونه‌ای در زندگی مردم منطقه حضور دارد. تأثیرات این حضور در مساجد مناطق روستایی بیشتر مشهود است. از این دسته مساجد باید از مسجد بدیع‌الله (بادی‌الله) و حاج سمیع رشت، مسجد جامع نج نور، مسجد جورشر لشت نشا در کنار بازار، مسجد جامع بلده نور و گیل محله تنکابن که همجوار با آرامستان هستند، نام برد.

جدول ۳: مساجد فاقد حیاط محصور و ابعاد مشخص (نگارندگان)^۱

ردیف	نام مسجد	توضیحات	سایت پلان	تصویر
۱	مسجد بدیع‌الله رشت	سال ساخت: ۱۳۴۴ قمری جهت: شرقی - غربی حیاط: محوطه بیرونی ساخته‌ایه: آجر، چوب گنبدخانه: گنبد روی سقف مناره: ۱ مناردر گوشه بنا		
۲	مسجد حاج سمیع رشت	سال ساخت: اواخر قاجار جهت: شرقی - غربی حیاط: محوطه بیرونی ساخته‌ایه: آجر، چوب		

۱. تصاویر سایت پلان‌ها از اداره‌های کل میراث فرهنگی گیلان و مازندران تهیه شده است.

		<p>سال ساخت: ۱۲۰۶ قمری جهت: شرقی- غربی ساختمایه: آجر، چوب</p>	<p>مسجد جورش لشت نشا</p>	<p>۳</p>
		<p>سال ساخت: قاجاریه جهت: شمالی- جنوبی حیاط: محوطه بیرونی ساختمایه: آجر، چوب، گل و سنگ</p>	<p>مسجد گیل محلہ تنکابن</p>	<p>۴</p>
		<p>سال ساخت: ۱۲۷۰ قمری جهت: شرقی- غربی حیاط: محوطه بیرونی ساختمایه: سنگ، آجر، چوب مناره: یک مناره در گوشه بنا</p>	<p>مسجد جامع بلده نور</p>	<p>۵</p>
		<p>سال ساخت: قاجاریه جهت: شمالی- جنوبی حیاط: محوطه بیرونی ساختمایه: سنگ، چوب، گل</p>	<p>مسجد روستای نج نور</p>	<p>۶</p>

در جمع‌بندی کلی صحن و حیاط مساجد بومی، مشخصه‌های زیر از نمونه‌های مطالعه شده مطابق جدول ۴ دریافت می‌گردد.

جدول ۴: تقسیم‌بندی انواع حیاط در مساجد حاشیه جنوبی دریای کاسپین (نگارندگان)

دسته‌ها	مشخصات	نمونه‌ها
حیاط محصور	حیاط در یک سوی شبستان قرار دارد. در اضلاع دیگر معمولاً فضاهای خدماتی وجود دارد. غالباً در بافت قدیمی و فشرده شهری قرار دارند. کارکرد محله‌ای و منطقه‌ای دارند. در برخی از آن‌ها فضاهای دیگری مانند شبستان مضاعف و مدرسه به آن اضافه شده است.	مسجد مستوفی رشت (دارای مدرسه) مسجد چارسوق بابل، مسجد طبرستانی و استادی بابل (دارای شبستان دیگر) مساجد رودگر محله، آیت‌الله عدنانی، ابوفاضلی بابل مسجد حاج صمدخان رشت و اکبری لاهیجان
حیاط مرکزی	اندام‌هایی چون رواق و ایوان علاوه بر جدار مشرف بر قبله، در دیگر اضلاع حیاط دیده می‌شود. حیاط‌ها دارای هندسه منظم در سایت نامنظم دارای اجزا کالبدی کامل‌تر نسبت به سایر دسته‌بندی‌ها در مناطق شهری مساجد جامع با دستور پادشاهان، حاکمان و وزیران ساخته و یا تجدید بنا شده‌اند. عموماً بطور مداوم مرمت شده‌اند. کمتر از سایر انواع مساجد از خصوصیات اقلیمی و بومی تأثیر پذیرفته‌اند. ارتباط شبستان با فضای باز و امکان استفاده از کوران هوا	مساجد جامع فرح آباد، ساری، بابل، گرگان، آمل مساجد آقا عباس و امام حسن عسکری آمل، کاظم بیگ بابل

<p>مسجد بدیع الله (بادی الله) و حاج سمیع رشت، مسجد جامع نج نور، مسجد جورشر لشت نشا در کنار بازار مسجد جامع بلده نور و گیل محلہ تنکابن همجوار با آرامستان</p>	<p>فاقد صحن و حیاط به معنای محصور شده و ابعاد مشخص غالباً در نواحی روستایی مشرف به فضای اصلی و مرکز محله در کنار آرامگاه‌ها و یا بازارها امکان تردد اهالی، در مواقع خاص برای اجتماعات مذهبی</p>	<p>بدون حیاط محصور</p>
--	---	-----------------------------------

۲-۴- شبستان

اولین مسجدی که توسط پیامبر بزرگوار اسلام در مدینه ساخته شده و مبنای ساخت مساجد اولیه قرار گرفت، اندام اصلی آن یعنی شبستان در جبهه طرف قبله قرار داشت. قابلیت گسترش و توسعه شبستان، تنها با کاستن و یا افزودن چند دهانه و سادگی آن باعث محبوبیت ساخت این گونه مساجد خصوصاً در صدر اسلام بوده است.^۱ گرابار شبستان چهل ستون مسجد را به عنوان نمود بی همتایی ظهور اسلام و در تناسب ارتباط حافظه جمعی برخی صورت‌ها با نیازهای کلی امت، معرفی می‌نماید.^۲ این ظهور معماری شبستان به نحوی ساده و بی پیرایه در طرح مسجد اولیه پیامبر اسلام مشهود است. اگر مساجد اولیه ساخته شده در سرزمین فعلی ایران مانند مسجد شوش که دارای سادگی در نقشه و اجرا است و یا مسجد شهر استخر که با مواد و مصالح یافته شده از بناهای قدیمی تر اطراف ساخته شده را در نظر بگیریم،^۳ نیک در می‌یابیم که توجه مسلمانان پس از سیطره بر شهرهای ایران ساخت بنایی با بیشترین سایه‌انداز و پوشش برای برپایی فریضه نماز بوده است و دارای کمترین اندام نسبت به مساجد امروزی است.

این اندام هر چند ساده دارای کیفیات خاص خود در ابعاد و اندازه، نوع پوشش سقف، نوع سازه و ایستایی آن و تزیینات از یکدیگر متمایز شده و گونه‌های مختلفی از آن‌ها شکل گرفته‌اند. از همین منظر مساجد نواحی شمال ایران نیز ضمن داشتن وجوه مشترک در این کیفیت‌ها، دارای تمایزهایی نیز هستند. مساجد کوچکی مانند مسجد ابوفاضلی، چهارسوق و آیت‌الله عدنانی بابل، تیلک ساری و با برخی از مساجد بزرگتر مانند مسجد امام حسن عسکری آمل و مسجد کاظم بیک بابل دارای شبستانی با یک ناو^۴

۱. نژاد ابراهیمی و مرادزاده، «مطالعه‌ای در معماری مساجد ایران برای الگویابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار»، ۸۹.

۲. گرابار، «مسجد: نمونه هنر دینی در اسلام»، ۷۷.

۳. قیومی بیل‌هندی، مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری، ۱۵۳-۱۵۴.

۴. ردیف دهانه

هستند. در مقابل مساجد دیگری وجود دارند که دارای عناصر کالبدی بیشتری در اجزا خود بوده و شبستان گسترده‌تری دارند.

مساجد کوچک غالباً از دو ردیف دیوار تاق دار که یکی رو به حیاط بوده و با در و پنجره چوبی یا فلزی پوشانده شده و دیگری در امتداد محراب است. پوشش سقف آن لته‌های چوبی است که روی آن لمبه کوبی و خربای چوبی قرار دارد و در نهایت با سفال یا ورق‌های فلزی پوشانده شده است. هر چقدر گستردگی شبستان بیشتر باشد تعداد ردیف ستون‌ها بیشتر است. در برخی از مناطق روستایی، این ستون‌ها چوبی بوده و دارای تزیینات و کنده‌کاری‌هایی است که مستقیماً در ادامه سنت ساخت و ساز این مناطق است از جمله باید به نال و ستون‌ها اشاره داشت. اندام دیگری که متصل به شبستان است، وجود رواق یا ایوان ستون‌دار است. این سنت دیرینه غالباً در مساجد نواحی روستایی همچنان باقی است و علاوه بر معماری مسکونی، در دیگر گونه‌های معماری آیینی این نواحی مانند تکایا و سقافرها نیز با تزیینات بیشتر در شیرسرها و کوماچه‌سرها دیده می‌شود. این فضای نیمه باز عموماً متصل به ورودی بناست اما در مناطق وسیع‌تر شهری این معماری دیده نمی‌شود و تأثیرات معماری مناطق مرکزی ایران سنت‌های معماری این نواحی را تحت تأثیر خود قرار داده است. از جمله مساجدی که با مصالح چوبی در ستون ساخته شده‌اند، مساجد جورشر لشت‌نشا، گیل محله تنکابن و تیلک ساری هستند.

در برخی از مساجد گستردگی شبستان با تاق و تویزه‌ها صورت گرفته است و مصالح عمده آن آجر یا خشت است. در این مساجد معمولاً سقف با تاق و گنبد اجرا شده و روی آن را تیرپوش چوبی و شیروانی کرده‌اند. باید در نظر داشت که برای محافظت از بناها در اقلیم معتدل و مرطوب از نفوذ باران‌های طولانی مدت، این عمل واجب می‌نماید. چنانکه بناهایی که بدینگونه محافظت نشده‌اند محکوم به ویرانی و آسیب در مقابل طبیعت هستند. در برخی مناطق، پوشش شبستان همچنان به حالت اولیه خود در زمان ساخت باقی مانده است مانند مسجد نج نور که در نواحی مرتفع کوهستانی، به علت بارش کمتر باران به صورت تاق و گنبدی باقی مانده است.

نکته مهم در اندازه و دگرگونی این شبستان‌ها، پوشش سقف آن‌هاست. بنابراین چهار دسته اصلی در شکل کلی شبستان‌های این ناحیه وجود دارد. قسمت زنانه شبستان در سقف‌های با تیر چوبی، معمولاً در طبقه دوم از شبستان اصلی است که همه سطح شبستان را در بر نمی‌گیرد.

جدول ۵: تقسیم‌بندی انواع شبستان براساس پوشش سقف (نگارندگان)

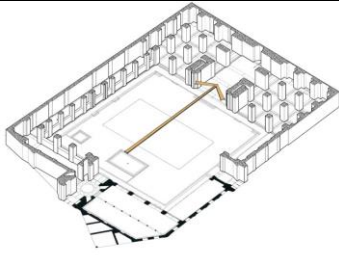
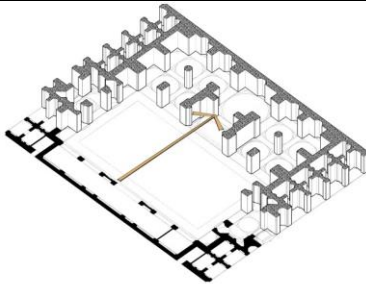
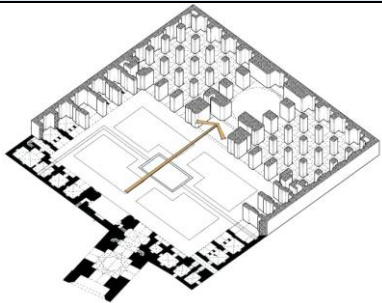
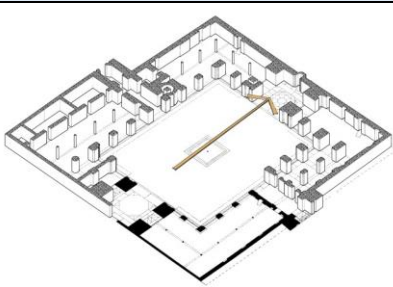
ساختار پوشش	تیرپوش چوبی و شیروانی روی ستون‌های چوبی	تیرپوش چوبی و شیروانی روی تاق‌های آجری	تاق گنبدی	
نمونه مساجد	مساجد بدیع‌الله، حاج صمدخان، مستوفی، حاج سمیع رشت، جورشرلشت نشا، گیل محله تنکابن، چهارسوق بابل، تیلک ساری	مساجد آقاعباس و امام حسن عسکری آمل، جامع آمل، ابوفاضلی، رودگر محله، طبرستانی و استادی، آیت‌الله عدنانی و کاظم‌بیک بابل	مساجد اکبریه لاهیجان، بلده و یالرود نور، جامع بابل، جامع ساری، فرح‌آباد، جامع گرگان	مسجد نج نور
دیگرام				

از دیگر نکات قابل مشاهده در شکل شبستان‌های این نواحی گستردگی شرقی-غربی آن به‌ویژه در مساجد بزرگتر است. این نکته که در اکثر پلان‌های شبستان‌های مساجد کشور دیده می‌شود در مرحله اول دارای ابعاد مذهبی است. زیرا جهت قبله در تعیین صف نمازگزاران اثر گذاشته و صف نمازگزاران پشت امام جماعت عمود بر محور قبله قرار می‌گیرد. در مرحله بعدی می‌توان به پاسخ‌دهی به اقلیم اشاره داشت. در اکثر روزهای سال، باران‌های متعدد شمال غربی و غرب، بخش زیادی از توده ساختمانی را در این نواحی در بر خواهد گرفت و لازم است حداقل مساحت در معرض باران قرار گیرد.

از شاخصه‌های اصلی شبستان این مساجد، به جز چند نمونه، نداشتن سلسله مراتب و یا تقسیم‌بندی در این فضا است. عموماً جهت قبله در راستای ورودی و وجود محراب قابل تشخیص است. در نمونه‌های دیگر که دارای اندام‌های مفصل‌تری هستند، با داشتن گنبدخانه، یا گشادگی فضای رو به قبله مانند فاصله

بین ستون‌ها یا ارتفاع بیشتر، جهت آن قابل تشخیص است. مساجد جامع بابل، کاظم‌بیک بابل، جامع ساری، فرح‌آباد و جامع گرگان دارای این خصوصیت هستند.

جدول ۶: مساجد دارای فضای گنبدخانه منتهی به محراب (نگارندگان)

مسجد جامع ساری	مسجد جامع بابل
	
مسجد جامع فرح‌آباد	مسجد جامع گرگان
	

نتیجه

آنچه مسلم است معماری مساجد بومی در نواحی شمالی کشور و در اقلیم معتدل و مرطوب در طول تاریخ، تابع تأثیرات اقلیمی و سنت‌های ساخت در این نواحی بوده است. این تأثیرات به قدری بوده است که گونه‌های دیگری از معماری را به وجود آورده که دارای ویژگی‌های خاص خود است. در پژوهش حاضر با بررسی فضای ساختاری دو اندام اصلی شبستان و صحن در مساجد این ناحیه به تحلیل نکات شکلی و کارکردی آنان اشاره شد. در این بررسی‌ها حیاط به سه دسته اصلی مساجدی که در آن‌ها حیاط‌ها محصور و در یک سوی شبستان هستند، حیاط مرکزی و مساجد فاقد حیاط محصور و ابعاد مشخص تقسیم‌بندی شده است. در بررسی شبستان، مساجد کوچک با شبستانی با یک ناو تا مساجدی که دارای ردیف

ستون‌های متعدد در شبستان هستند، دیده می‌شوند. این مساجد به چهار دسته اصلی تقسیم شده‌اند. مساجدی که تاق گنبدی هستند و در مناطق بالادست کوهستانی جنوب این نواحی وجود دارند؛ مساجدی که پوشش شیروانی روی این‌گونه سازه‌های تاق گنبدی شبستان دارند و معمولاً در مناطق کوهپایه‌ای بنا شده‌اند؛ شبستان‌هایی که دارای پوشش شیروانی بر روی تاق آجری هستند. مورد اخیر غالباً در مناطق جلگه‌ای وجود دارند. شبستان‌هایی وجود دارند که دارای سازه چوبی هستند. عنصر رواق در این مساجد گاهی به صورت ستون‌های چوبی در بخشی از بنا دیده می‌شود. جهت اصلی بنا که با ساختار قبله شکل گرفته است در برخی مساجد بزرگتر از طریق گشایش در ایوان منتهی به محراب تقویت شده است. از طرفی کشیدگی غالب در جهت شرقی - غربی خصوصاً در مساجد بزرگتر به ایجاد شبستان بزرگتر به سمت قبله و پاسخ اقلیمی به جهت باد و باران داده است. حال در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش که دریافت میزان تشابهات و تمایزات کالبدی و عملکردی شبستان و حیاط در مساجد این ناحیه نسبت به مساجد مناطق گرم و خشک فلات مرکزی ایران چگونه است و دلایل آن‌ها در چیست، باید این تفاوت فضاهای شبستان و صحن را که در منشأ اقلیمی در آن‌ها بسیار نمود داشته است در نظر گرفته شود. چنانچه گفته شد تشابهاتی که در ساختار فضایی برخی مساجد بومی از جمله مساجد جامع با مساجد مرکزی ایران دیده می‌شود را باید در تأثیرات فرهنگی غالب، جستجو نمود.

هرچه به مناطق مرکزی و شهری با جمعیت بیشتر نزدیک می‌شویم، با توجه به اهمیت آن از نظر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برای حکمرانان و دولت مرکزی، اشکال مساجد تفاوت جدی با دیگر مناطق یاد شده پیدا می‌کنند و بسیاری از این مساجد بومی را می‌توان متأثر از فرهنگ ساخت مساجد در نواحی مرکزی دانست و ایجاد و ظهور معماری حکومتی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ در شکل شبستان و حیاط، دیده می‌شود. به عبارتی هرچه مساجد کوچک‌تر باشند رعایت فرهنگ بومی و اقلیم در آن بیشتر و شاخصه‌های معماری منطقه در آن مشهودتر است و با همین تناسب مساجد بزرگتر دارای مشخصه‌های بیگانه‌تری با فرهنگ و اقلیم در ساخت معماری این مناطق دارند.

فهرست منابع

- پاسبان‌خمیری، رضا و رضا رجبعلی، محمدرضا رونده. «گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجاریه تا معاصر». مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۱۸۹-۲۰۵.
- پاکدامن، بهروز. نگاهی کوتاه بر شیوه‌ها و گرایش‌های معماری در تهران. تهران: انتشارات کتاب، ۱۳۷۳.
- پوپ، آرتور آپهام. معماری ایران. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۵.

پوردیهیمی، شهرام. زبان اقلیمی در طراحی محیطی پایدار: کاربرد اقلیم شناسی در برنامه‌ریزی و طراحی محیط، جلد اول: مقیاس کلان و میانه. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

پیرنیا، محمدکریم. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معماریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۰.

حاجی قاسمی، کامبیز. گنج‌نامه. دفتر ششم: مساجد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و روزنه، ۱۳۸۳.

حاجی قاسمی، کامبیز. گنج‌نامه. دفتر هشتم: مساجد جامع (بخش دوم)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و روزنه، ۱۳۸۳.

حبیبی، سیدمحسن. از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

حجت، عیسی و مهدی ملکی. «هم‌گرایی سه گونه بنیادین هندسی و پیدایش هندسه مسجد ایرانی». هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۱): ۵-۱۶.

حیدری، شاهین، برنامه‌ریزی انرژی در ایران با تکیه بر بخش ساختمان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

خادم‌زاده، محمدحسن و غلامحسین معماریان، کامیار صلواتی. «گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران». مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۱۰۳-۱۲۴.

خلعتبری لیماکی، مصطفی. «بقاع متبرکه و امام‌زاده‌های غرب مازندران»، فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۴ (پاییز ۱۳۹۲): ۱۴۵-۱۵۷.

رستم نژاد نشلی، علی و اصغر منتظرالقائم، ابوالحسن فیاض انوش. «بررسی کارکرد تجاری راه‌سازی عصر ناصری در ایالت مازندران». تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۸، شماره ۱۲۸/۳۸ (تابستان ۱۳۹۷): ۳۳-۶۴.

راپاپورت، آموس. انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان. مشهد: انتشارات کتابکده کسری، ۱۳۹۸.

زرین‌کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.

ستوده، منوچهر. از آستارا تا آستارا. جلد اول. تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۷۴.

سلطان‌زاده، حسین. تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران- از دوران باستان تا ۱۳۵۵. تهران: چهارطاق، ۱۳۹۰ ش.

سلطان‌زاده، حسین، معماری ایران در دوره اسلامی: مفاهیم، الگوها و آثار، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ۱۳۹۸ ش.

سیرو، ماکسیم. «تطور مساجد روستایی در اصفهان ۱». ترجمه کرامت الله افسر. مجله اثر، شماره ۱ (۱۳۵۹): ۵۲-۷۸.

سیرو، ماکسیم. «تطور مساجد روستایی در اصفهان ۲». ترجمه کرامت الله افسر، مجله اثر، شماره ۲ و ۳ (۱۳۵۹): ۱۴۰-۱۵۹.

شیخ‌نصیری، مونا و علی رحمتی‌زاده. «گونه‌شناسی مساجد مازندران». ششمین کنفرانس ملی معماری و مهندسی

عمران، تهران: ۱۳۹۷.

طاهباز، منصوره. دانش اقلیمی، طراحی معماری. تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۹۲ ش.

طاهباز، منصوره و شهربانو جلیلیان. اصول طراحی همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰ ش.

فلامکی، محمدمنصور. شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: نشرفضا، ۱۳۸۵ ش.

قبادیان، وحید. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲ ش.

قیومی بیدهندی، مهرداد. مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷ ش.

قیومی بیدهندی، مهرداد. مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷ ش.

کسمایی، مرتضی. اقلیم و معماری. تهران: شرکت خانه سازی، ۱۳۶۳ ش.

کیانی، محمّدیوسف. معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت، ۱۳۷۹.

گرابار، الگ. «مسجد: نمونه هنر دینی در اسلام». ترجمه محمّدسعید حنایی کاشانی. فصلنامه هنر، شماره ۲۶ (۱۳۷۳): ۴۵-۷۸.

گیلانی، ملاشیخ علی. تاریخ مازندران. به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش.

معماریان، غلامحسین و عباس غفاری، فرزانه قلی زاده. «تحلیلی بر پارامترهای گونه بندی مساجد تاریخی شهر تبریز». فیروزه اسلام، سال ۳، شماره ۴ (۱۳۹۶): ۴۳-۶۴.

نژاد ابراهیمی، احد و سام مراد زاده. «مطالعه ای در معماری مساجد ایران برای الگویابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار». هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۳، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۷): ۸۷-۹۸.

نقی زاده، محمّد. «تاملی در چیستی شهر اسلامی». مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱ (۱۳۸۹): ۱-۱۴.

هیلن برند، روبرت. معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۹۳ ش.

یوسفی، صفر. «سیر تحول دین و مذهب در مازندران». فقه و تاریخ تمدن، سال چهارم، ۱۶ (۱۳۸۷): ۱۶۷-۱۹۲.

Alexander, CH., Ishikawa, S., Silverstein, M. *A pattern language*. New York: Oxford university press, 1977.

Rapoport, A. *House form and culture*. London: Prentice-Hall, Inc. 1969.

Falāmākī, Muḥammad Manṣūr. *Shikgūr Mi'mārī dar Tajārub Irān va Gharb*. Tehran, Nashr Fażā, 2006/1385.

Gīlānī, Mulā Shīykh 'Alī, *Tārīkh Māzandarān*, ed. Manūchīhr Sutūdīh, Tehran, Bunyād Farhang Irān, 1973/1352.

Grabar, Oleg, "Masjid :Nimūnih Hunar Dīnī dar Islām", translated by Muḥammad Sa'īd Ḥanāyī Kāshānī, *Faṣlnāmih Hunar*, no.26 (1994/1373): 45-78.

Ḥabībī, Sayyid Muḥsin, *Az Shār tā Shāhr*. Tehran: University of Tehran, 2008 /1387.

Ḥājī Qāsimī, Kāmbīz. *Ganj Nāmih*. Daftar 6: Masājid, Tehran: Shahid Beheshti University va Rūzanih, 2004/1383.

Ḥājī Qāsimī, Kāmbīz. *Ganj Nāmih*. Daftar 8: Masājid Jāmi' (Bakhsh 2), Tehran: Shahid Beheshti University va Rūzanih, 2004/1383.

Ḥīdarī, Shāhīn, *Barnāmihrīzī Inirzhī dar Irān bā Tikīyih bar Bakhsh Sākhtimān*, Tehran, University of Tehran, 2009/1388.

Hillenbrand, Robert. *Mi'mārī Islāmī*. translated by Bāqir Āyat Allāh Zādih Shīrāzī, Tehran, Intishārāt-i Rūzanih, 2014/1393.

Ḥujat, 'Īsā va Malikī, Maḥdī. "Hamgrāi Sih Gunih Bunyādīn Hindisī va Pīdāyish Hindisih Masjid Irān", *Hunarhāy Zībā-Mi'mārī va Sharsāzī*, vol 17, no.4, (winter 2012/1391): 5-16.

Kasmāī, Murtizā. *Iqlīm va Mi'mārī*. Tehran, Shirdat Khānihsāzī, 1984/1363.

Khādīmzādih, Muḥammad Ḥasan va Mi'māriyān, Ghulām Ḥusayn va Ṣalavātī, Kāmyār. "Gūnihshināsī Taḥlīlī Masājid Tarīkhī Ḥūzih Fargangī Kurdistān Irān". *Muṭālī'at Mi'mārī Irān*, no.11, (spring and summer 2017/1396): 103-124.

Khal'atbarī Īmākī, Muṣṭafā. "Biqā'-i Mutibarikih va Imāmzādihāy Gharb-i Māzandarān", *Farhang Mardum-i Irān*, no. 34, (autumn 2013/1392): 145-157.

Kīyānī, Muḥammad Yūsuf. *Mi'mārī Irān Durih Islāmī*. Tehran: Samt, 2000/1379.

Mi'māriyān, Ghulām Ḥusayn va Ghafārī, 'Abās va Qulīzādih, Farzānih. "Taḥlīlī bar Pārāmitrhāy Gūnihbandī Masājid Tarīkhī Shahr Tabrīz", *Fīrūzih Islām*, yr.3, no.4, (2017/1396): 43-64.

Naqīzādih, Muḥammad. "Ta'mulī dar Chīstī Shar Islāmī", *Muṭālī'at-i Shahr Irānī Islāmī*, 1 (2010/1389): 1-14.

Nizhād Ibrāhīmī, Aḥad va Murādzādih, Sām. "Muṭālī'ih-ī dar Mi'mārī Masājid Irān barāy Ulgūyābī Mi'mārī Masājid Bushir dar Dūrih Qājār". *Hunarhāy Zībā-Mi'mārī*

va Sharsāzī, vol.23, no.2, (Summer 2018/1397): 87-98.

Pākdāman, Bīhrūz. *Nigāhī Kutāh bar Shīvihhā va Grāyshāy Mi'mārī dar Tehran*, Tehran: Intishārāt-i Kitāb, 1994/1373.

Pāsibān khamrī, Rizā va Rajab 'Alī, Rizā va Ravandih Muḥammad Rizā. "Gūnihshināsī Masājīd Balūchistān-i Irān, Az Dūrih-yi Qājārīyih ta Mu'āshir", *Muṭāli'at-i Mi'mārī Irān*, no.11, (spring and summer 2017/1396): 189-205.

Pīrnīyā, Muḥammad Karīm. *Āshināī bā Mi'mārī Islāmī-i Irān*. ed. Ghulām Ḥusayn Mi'mārīyān, Tehran: University of Science and Technology, 2001/1380.

Pope, Arthur Upham, *Mi'mārī Irān. translated by Krānat Allāh Afsar*, Tehran: Farhangsarā, 1986/1365.

Pūrdīhīmī, Shahrām, *Zabān-i Iqlīmī dar Ṭarāhī Muḥīṭī Pāydār: Kārburd Iqlīmī Shināsī dar Barnāmih Rīzī va Ṭarāhī Muḥīṭī*, vol.1: *Miqyās Kalān va Miyānih*. Tehran: Shahid Beheshti University, 2011/1390.

Qiyūmī Bydhindī, Mihrdād. *Majmū'ih Hunar dar Tamadun Islāmī: Mi'mārī 1*. Tehran, Intishārāt-i Samt, 2018/1397.

Qiyūmī Bydhindī, Mihrdād. *Majmū'ih Hunar dar Tamadun Islāmī: Mi'mārī 2*. Tehran, Intishārāt-i Samt, 2018/1397.

Qubādiyān, Vaḥid. *Barrisī Iqlīmī Abnīyih Sunatī Irān*. Tehran, Intishārāt-i University of Tehran, 2013/1392.

Rapoport, Amos. *Insānshināsī Maskan, translated by Khusrū Afzālīyān*, Mashhad: Intishārāt-i Kitābkadīh Kasrā, 2019/1398.

Rustamnizhād Nashlī, 'Alī va Muntazar al-Qā'im, Aṣghar va Fayāz Anūsh, Abu al-Ḥasan, "Barrisī Kārkīr-i Tijārī Rāhsāzī 'Aṣri Nāsirī dar Iyālāt Māzandarān", *Tarīkh Islām va Irān Alzahra University*, yr. 28, no.128/38, (summer 2018/1397), 33-64.

Shīykh Naṣīrī, Mūnā va Raḥmatīzādīh, 'Alī. "Qūnihshināsī Masājīd Māzandarān" *Shishumīn Kunfirāns Milī Mi'mārī va Muhandisī Umrān*, (2018/1397).

Siroux, Maxim, *Taṭavūr Masājīd Rūstāy dar Isfahān 1" translated by Kirāmat Allāh Afsar*, *Majalīh Aṣar*, no.1, (1980/1359): 52-78.

Siroux, Maxim, Taṭavūr Masājīd Rūstāy dar Isfahān 2” *translated by Kirāmat Allāh Afsar, Majalīh Aṣṣar*, no.2-3-4(1980/1359): 140-159.

Sitūdih, Manūchīhr. *Az Āstārā tā Istārābād*. vol.1, Tehran: Anjuman Āṣār va Mafākhīr Milī, 1995/ 1374.

Sulṭānzādih, Ḥusayn, *Mi‘mārī Irān dar Dūrih-yi Islāmī: Mafāhīm, Ulgūhā va Āṣār*, Tehran, Qazvin Islamic Azad University, 2019/1398.

Sulṭānzādih, Ḥusayn, *Tarīkh Mukhtaṣar Shahr va Shahrnīshīnī dar Irān-az Dūrān Bāstān ta 1355*, Tehran, Chahār Ṭāq, 2011/1390.

Ṭāhbāz, Manṣūr, *Dānīsh Iqlīmī, Ṭarāḥī Mi‘mārī*, Tehran, Intishārāt-i Shahīd Beheshti University, 2013/1392.

Ṭāhbāz, Manṣūrih va Jalīlīyān, Sharbānū. *Uṣūl Ṭarāḥī Hamsāz bā Iqlīm dar Irān bā Rūykard bi Mi‘mārī Masājīd*. Intishārāt-i Shahīd Beheshti University, Tehran, 2011/1390.

Yūsufī, Ṣafar. *Sīr-i Dīn va Mazhab dar Māzandarān*”. *Fiqh va Tārīkhī Tamadun*, yr.4, 16 (2008/1387): 167-192.

Zarīn kūb, ‘Abd al- Ḥusayn, *Tarīkh Mardum Irān* (vol.2), Tehran: Intishārāt-i Amīr Kabīr, 1998/1377.